فرانسه در تقابل با تهدید روسیه، افزایش زرادخانه‌های هسته‌ای را پیش می‌برد؛

بازگشت پاریس به تئوری پیشگیری اتمی

رامین پرتو

در بحبوحه جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، شاهد آن هستیم که اتحادیه اروپا بیش از هر زمان دیگری به تکاپو افتاده و حالا این بلوک اقتصادی-سیاسی به نوعی در وضعیتی قرار گرفته که نوعی از بازتعریف سیاست‌های خود را در دستور کار قرار است. این بازتعریف سیاست‌ها در معنای کلان و کلی شامل سه محور می‌شود و کشورهای حاکم بر قاره سبز دوبار این شرایط را تجربه کرده‌اند؛ یکبار در میانه سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ که دولت اول دونالد ترامپ در واشنگتن بر سر کار بود و دومین مقطع آن از ژانویه ۲۰۲۵ و تا زمانی است که دولت دوم دونالد ترامپ بر سر کار خواهد بود که سه موضوع اقتصاد، سیاست و امنیت را در بر می‌گیرد.

کشورهای اروپایی در دولت اول ترامپ و در زمانی که هنوز آنگلا مرکل به عنوان صدراعظم آلمان در برلین نقش ایفا می‌کرد و بسیاری از تحلیلگران او را موتور محرک و رهبر سیاسی اروپا می‌خواندند، سعی کردند تا یک توازن ناخواسته را با واشنگتن به وجود بیاورند اما حالا اوضاع کاملاً از نظر اروپایی‌ها متفاوت است. دولت‌های قاره سبز در شرایط کنونی خود را درگیر دو پرونده بسیار مهم و البته خطرناک می‌بینند که دقیقاً همان سه محور امنیت، سیاست و اقتصاد درون هر دو پرونده مشاهده می‌کنیم. پرونده اول که از سال ۲۰۲۲ و به مدت چهار سال است که مفتوح مانده، جنگ روسیه و اوکراین است و پرونده دوم که حالا نزدیک به ۴۰ روز است شروع شده، منازعه در منطقه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه با محوریت حملات اسرائیل و آمریکا به ایران است.

روسیه، تهدید وجودی فرانسه و اروپا؟

واقعیت غیرقابل انکار این است که جنگ اوکراین و تهدیدات بیرون آمده از دل این پرونده که عملیت آنرا باید مسکو دانست، برای کشورهای اروپایی به شدت هزینه‌زا بوده و مساله این است که تا به همین امروز مشخص نیست که چه آینده‌ای در انتظار این پرونده عریض و طویل قرار دارد. از منظر اقتصادی، حمایت از اوکراین توسط قاره سبز، ضربه بزرگی به اقتصاد آنها وارد کرده و همچنین در مقابل آنها با تحریم انرژی روس‌ها دیگر نمی‌توانند به سادگی نفت و گاز مورد نیاز خود را تامین کنند. این در حالیست که بحران در خلیج فارس و تنگه هرمز هم، این مشکل را برای اروپایی‌ها دو چندان کرده است.

از منظر دیگر بندبازی ترامپ طی ماه‌های گذشته در مورد پرونده اوکراین هم باعث بلاتکلیفی اروپایی‌ها در مورد سرنوشت اوکراین و مدل مواجهه با روسیه شده است که همین موضوع در محور سیاسی یک مشکل بزرگ را به وجود آورده که اتفاقاً این دوگانگی در تصمیم‌گیری و اعلام آن با سخنان و توئیت‌های ترامپ در مورد جنگ با ایران از سوی اروپایی‌ها دائماً رصد می‌شود و باعث نگرانی مضاعف آنها شده است.

اما در حوزه امنیت هم دقیقاً چنین وضعیتی استوار است. اروپایی‌ها نه تنها در مورد جنگ ایالات متحده با ایران با محوریت تنگه هرمز بلکه در خصوص پرونده اوکراین به صورت کاملاً واضح خود را بی‌پناه و زیر تیغ عدم قطعیت‌های ترامپ و تیم وی می‌بینند و نمی‌دانند که چگونه باید با آن مواجه شوند و به همین دلیل است که سعی دارند تا به هر شکل و شمایلی که شده یک راهبرد و سیاست مستقل را در پیش بگیرند.

ابتکار هسته‌ای فرانسه بیش از آنکه یک تحول راهبردی در معادله قدرت اروپا باشد، یک «سیاست داخلی با لباس نظامی» تلقی می‌شود که هزینه‌های آن را مردم فرانسه از طریق کاهش رفاه عمومی و تنش با روسیه خواهند پرداخت

در این خصوص حالا فرانسه به نظر می‌رسد که به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین به عنوان یکی از اضلاع تروئیکای اروپایی که یک کشور اتمی هم محسوب می‌شود، قصد دارد به هر نوع که شده این پیام را به اول به روسیه و سپس به ایالات متحده تحت فرمان ترامپ برساند که یک سیاست جدید آنهم در حوزه هسته‌ای را از ترس تهدیدهای فعلی در نظام بین‌الملل که مسکو هم بخشی از آن به حساب می‌آید، در دستور کار خود قرار دهد.

در این خصوص در تحولی راهبردی و بی‌سابقه از سال ۱۹۹۲، امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه روز گذشته (دوشنبه) به طور رسمی اعلام کرده است پاریس زرادخانه هسته‌ای ملی خود را توسعه خواهد داد. نکته این است که در حالی که همزمان ماکرون از کنار گذاشته شدن سیاست شفاف‌سازی در مورد تعداد کلاهک‌های هسته‌ای و اتخاذ به اصطلاح «ابهام راهبردی» نیز خبر داد، ادعا کرد که این اقدام را با هدف تقویت «استقلال راهبردی و بازدارندگی دفاعی اروپا» اتخاذ می‌کند.

در این راستا مؤسسه اطلاعاتی امنیتی بلومزبری (BISI) ارزیابی می‌کند که سیاست هسته‌ای جدید پاریس موسوم به «بازدارندگی پیش‌دستانه» فراتر از مرزهای این کشور تعریف شده است، در حالی که تلاش دارد نقش فرانسه را به عنوان «بازوی هسته‌ای مستقل اروپا» تثبیت کند. طبق برآورد و بسایت کارزار بین‌المللی انهدام تسلیحات هسته‌ای، فرانسه هم‌اکنون با در اختیار داشتن ۲۹۰ کلاهک هسته‌ای، چهارمین زرادخانه بزرگ جهان را پس از روسیه (حدود ۵۴۶۰ کلاهک)، آمریکا (حدود کلاهک ۵۲۰۰) و چین (حدود ۶۰۰ کلاهک) در اختیار دارد. بر اساس تحلیل مؤسسه اطلاعاتی امنیتی بلومزبری این برنامه «بازدارندگی پیش‌دستانه» هسته‌ای فرانسه آن را به متحدی غیرقابل پیش‌بینی برای شرکای اروپایی تبدیل کرده است؛ چراکه در تضادی با مکانیسم اشتراک هسته‌ای ناتو که واشنگتن انحصار استفاده از بمب‌های مستقر در اروپا را دارد، در طرح جدید، پاریس حاکمیت کامل بر قدرت شلیک را حفظ می‌کند و تنها به کشورهایی مثل آلمان، لهستان و بلژیک نقش پشتیبانی (سیستم‌های هشدار فضایی، پدافند هوایی و موشک‌های دوربرد) می‌دهد.

انگیزه سیاسی ماکرون چیست؟

بسیاری از تحلیلگران فرانسوی و اروپایی با صراحت اعلام می‌کنند که این افزایش توان هسته‌ای، بازدارنده واقعی در برابر روسیه نخواهد بود، چراکه اندازه زرادخانه مسکو به تنهایی ۱۰ برابر مجموع زرادخانه‌های فرانسه و بریتانیا است (حدود ۵۴۶۰ کلاهک) و همچنین برتری قاطع در سامانه‌های شناسایی و اطلاعاتی را در اختیار دارد. به باور آنها ماکرون اگرچه مدعی شد که «اندازه زرادخانه در برابر قدرت ویرانگر هسته‌ای بی‌اهمیت است»، اما تحلیلگران معتقدند تنزل شدید محبوبیت او به ۲۳ درصد در ژانویه ۲۰۲۶، انگیزه اصلی این مانور سیاسی رئیس جمهور فرانسه برای ساختن یک دستاورد تاریخی در ماه‌های باقی‌مانده از ریاست جمهوری وی تا زمان پایان آن در آوریل ۲۰۲۷ است.

اعتراضات اقتصادی در انتظار فرانسه؟

باید توجه شود که بزرگترین چالش پیش روی این طرح، تأمین مالی است. برآوردها حاکی از نیاز به حداقل ۱۰۰ میلیارد یورو بودجه اضافی سالانه خواهد بود و این در حالیست که فرانسه در سال ۲۰۲۵ بدهی ۱۱۶ درصدی نسبت به تولید ناخالص داخلی داشته که خیلی فراتر از سقف ۶۰ درصدی قوانین بودجه‌ای اتحادیه اروپا است که عملاً دو راه بیشتر وجود ندارد؛ نخست، کاهش شدید هزینه‌های رفاه عمومی که در سپتامبر ۲۰۲۵ اعتراضات و اعتصابات سراسری را کلید زد و دوم، افزایش بدهی که همچنان با قوانین اتحادیه اروپا در تضاد است.

بر این اساس ابتکار هسته‌ای فرانسه بیش از آنکه یک تحول راهبردی در معادله قدرت اروپا باشد، یک «سیاست داخلی با لباس نظامی» تلقی می‌شود که هزینه‌های آن را مردم فرانسه از طریق کاهش رفاه عمومی و تنش با روسیه خواهند پرداخت و احتمال عدم موفقیت آن در بلند مدت بیشتر از احتمال موفقیت آن است و بسیاری آنرا نمایی از بازگشت احتمالی به دوران جنگ سرد می‌دانند.

جنگ اوکراین و تهدیدات برآمده از دل این پرونده که عاملیت آن را باید مسکو دانست، برای اروپا به شدت هزینه‌زا بوده و تا همین امروز مشخص نیست چه آینده‌ای در انتظار این پرونده عریض و طویل قرار دارد

خبر

ساندی تایمز: سوالات درباره وضعیت روانی ترامپ افزایش یافته است

دیوید چارتر، تحلیلگر مسائل آمریکا در مقاله‌ای برای ساندی تایمز نوشت، ترامپ گفتمان رکیک بی‌سابقه‌ای به عنوان رئیس یک کشور علیه ایران به کار برد چیزی که با اصول گفتمان یک رئیس جمهور مغایرت دارد، این اقدام سوال‌های زیادی را درباره رویکرد و وضعیت روانی او و نیز اثربخشی این رویکرد در مدیریت بحران‌های بین‌المللی ایجاد کرده است. به نوشته این روزنامه، ترامپ به جای پایبندی به اصول مربوط به عید پسح، پیام تند و تهدیدآمیزی را برای ایران منتشر کرد و خواستار بازگشایی تنگه هرمز شد و همزمان بر آمادگی خود برای تشدید تنش نظامی شامل حمله به زیرساخت‌های حیاتی تاکید کرد. چارتر نوشت: منتقدان ترامپ این مطلب را که لحنی خشن داشت، نشان‌دهنده حالتی از تنش و سردرگمی تفسیر کرده و گفتند که این اقدام می‌تواند برای تخریب وجهه آمریکا و ایجاد تردیدهایی درباره عقلانیت ترامپ به ویژه در مقابل همپیمانان آن در منطقه خلیج فارس استفاده شود. طبق مقاله یاد شده، این نوع اظهارات می‌تواند یک شمشیر دولبه باشد، ترامپ فکر می‌کند تشدید لفاظی‌ها، به تهدیدهای او اعتبار می‌بخشد و فشار را بر تهران برای قبول آتش‌بس بیشتر می‌کند اما این لحن می‌تواند نتایج معکوسی داشته باشد و جایگاه او را به عنوان یک رئیس جمهور منطقی تضعیف کرده و در صورتی که تهدیدهای او نقض اصول قوانین بین‌المللی محسوب شود، اقدامات دیپلماتیک را پیچیده کند. در این مقاله، رفتارهای ترامپ در چارچوب وسیعتری قرار داده شده و تاکید شده که او قبلا نیز از این لفاظی‌ها به عنوان اسلحه‌ای علیه جنبش حماس و نیز رئیس جمهور ونزوئلا و درباره درگیری‌ها میان ایران و اسرائیل استفاده کرده بود. روزنامه ساندی تایمز هشدار داده و نوشته است که جنگ با ایران بسیار پیچیده‌تر است و نشانه‌های یک آتش‌بس قریب‌الوقوع همچنان قطعی نیستند، در واقع رفتار ترامپ ترکیبی از تاکتیک‌های سیاسی و تمایل به کنترل روایت رسانه‌ها است که این عملکرد می‌تواند به جای یک ابزار فشار موثر، به یک بار و فشار استراتژیک تبدیل شود. این در حالیست که بسیاری از سناتورهای دموکرات و جمهوریخواه حالا اقدام به نقد ترامپ و سیاست‌های فعلی وی کرده‌اند.

خبر

ها آرتص: منطقه پس از جنگ به ترکیه رو می‌کند!

روزنامه اسرائیلی ها آرتص گزارش داد که کشورهای منطقه احتمالا بعد از پایان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران به سمت کاهش تکیه بر آمریکا پیش می‌روند و ترکیه به عنوان یک بازیگر محوری در ساختار امنیت منطقه‌ای برجسته می‌شود. ایلاد گلعادی، تحلیلگر اسرائیلی از بخش پژوهش‌های خاورمیانه و اسلام در دانشگاه حیفا در مقاله‌ای با عنوان «جنگ ایران احتمالا نظام منطقه‌ای جدیدی را ایجاد می‌کند: حضور کمتر آمریکا و نقش بزرگتر ترکیه» نوشت: کشورهای منطقه با آغاز جنگ شروع به انجام تغییرات ریشه‌ای در استراتژی‌های دفاعی خود کرده و از طریق کانال‌های دیپلماتیک در پشت درهای بسته برای ایجاد راه‌هایی جهت کاهش وابستگی امنیتی به آمریکا تلاش کردند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دنبال بازسازی رویکردهای خود در زمینه‌های امنیت و ائتلاف‌ها هستند. به نظر می‌رسد که ترکیه نقش محوری را در تقویت این رویکرد ایفا می‌کند. ترکیه در دوره اخیر روابط خود را با عربستان، مصر و امارات به سطحی استراتژیک رسانده است. وی گفت: تقویت صنعت‌های دفاعی ترکیه جایگزینی را برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای متنوع کردن منابع امنیتی به دور از آمریکا ایجاد می‌کند. این کشورها قصد ندارند که روابط خود را به طور کامل با آمریکا قطع کنند، اما برای باز تعریف روابط خود تلاش می‌کنند طوری که واشنگتن تنها ضامن امنیتی نباشد بلکه شریکی در راستای یک سیستم گسترده‌تر باشد. این تحلیلگر ادامه داد: جنگی که با حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز شد احتمالا نقطه تحولی خواهد بود که نفوذ ترکیه را تقویت می‌کند. این جنگ باعث شده که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دنبال امکان ایجاد نظام منطقه‌ای از داخل از طریق کاهش وابستگی امنیتی به آمریکا باشند. این تحلیلگر گفت: کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در برخی نگرانی‌ها درباره ایران به ویژه در سایه احتمالات پاسخ با اسرائیل همسو هستند، اما در عین حال خود را در همان ائتلاف سیاسی با تل آویو نشان نمی‌دهند. این واقعیت باعث می‌شود تا احتمالا اسرائیل خارج از ترتیبات جدید منطقه‌ای باشد که احتمالاً حول محور نقش مرکزی ترکیه خواهد بود.

نواف سلام: اسرائیل باید حملات خود را به لبنان متوقف کند

نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان دیروز (دوشنبه) در سخنانی گفت بیروت از اسرائیل می‌خواهد حملات خود به لبنان را متوقف کند و نظامیانش را از خاک این کشور خارج کند. وی تأکید کرد تجاوزات اسرائیل به لبنان به بهانه ایجاد منطقه حائل یا کمربند امنیتی، کاملا غیرقابل قبول است. ارتش اسرائیل با وجود توافق آتش‌بس بالنان، بارها اعلام کرد قصد ندارد از پنج موضع نظامی در جنوب لبنان که در جنگ قبلی اشغال کرده بود، عقب‌نشینی کند. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که مناطق مختلف لبنان همزمان با آغاز تجاوزات آمریکایی اسرائیلی علیه ایران، شاهد افزایش تجاوزات اسرائیل بوده است. کارشناسان معتقدند چنین اقداماتی می‌تواند به تشدید بحران انسانی و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی در لبنان منجر شود و پیامدهای گسترده‌تری برای امنیت منطقه به همراه داشته باشد. در این راستا پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «لبنان این جنگ را انتخاب نکرده است و حاکمیت و تمامیت ارضی آن باید محترم شمرده شود». وی در ادامه گفت: «من همین حالا با نخست‌وزیر نواف سلام صحبت کردم تا حمایت و همبستگی اسپانیا را به او ابراز کنم». سانچز تاکید داشت: «نیروهای اسپانیایی در ماموریت یونیفل کار بسیار ارزشمندی انجام می‌دهند. حملات علیه ماموریت صلح سازمان ملل غیرقابل قبول است و باید فورا متوقف شود». همچنین پدرو سانچز، همتای اسپانیایی نواف سلام نیز در این مکالمه تلفنی ضمن حمایت از تمامیت ارضی و تصمیمات دولت لبنان واختصاص کمک ۹ میلیون یورویی، حملات به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (یونیفل) را به‌شدت محکوم کرد.

ژاپن واحد ویژه پهپادهای نظامی در ارتش ایجاد می‌کند

یکی از روزنامه‌های ژاپن روز گذشته (دوشنبه) به نقل از منابع دولتی گزارش داد که وزارت دفاع ژاپن تصمیم گرفته است یک واحد جدید نیروی دفاع زمینی اختصاص دهد که به ادغام سیستم‌های بدون سرنشین از جمله پهپادها، اختصاص دارد. در این گزارش آمده است که این واحد جدید که انتظار می‌رود شامل ده‌ها پرسنل باشد، می‌تواند در اوایل این ماه تشکیل شود. این واحد وظیفه توسعه مفاهیم عملیاتی برای سیستم‌های بدون سرنشین و همچنین مطالعه سلاح‌ها و تجهیزات مورد نیاز را بر عهده خواهد داشت. به نوشته روزنامه ژاپن نیوز، انتظار می‌رود این تلاش در دو مسیر پیش برود که شامل ایجاد یک واحد اختصاصی متمرکز بر پلتفرم‌های بدون سرنشین و ایجاد یک ساختار جداگانه مسئول اتوماسیون با استفاده از هوش مصنوعی است. در بلندمدت، نیروی دفاع شخصی زمینی قصد دارد هماهنگی بین وسایل نقلیه زمینی بدون سرنشین و واحدهای زرهی متعارف را ادغام کند. در ادامه این مطلب همچنین آمده است، یکی از اهداف این برنامه همچنین رسیدگی به کمبود پرسنل است، چراکه نیروهای دفاعی این کشور در حال حاضر تقریبا با ۸۹ درصد از سطح پرسنلی خود فعالیت می‌کنند. توکیو قصد دارد تجربه درگیری‌های مدرن از جمله درگیری‌های اوکراین و خاورمیانه را که در آنها از پهپادها به طور گسترده استفاده شده است، در نظر بگیرد. برخی دیگر از کارشناسان اعتقاد دارند که تغییر پارادایم و مدل‌های جنگ در جهان ژاپن را به این سمت سوق داده که بر روی پهپادهای نظامی سرمایه‌گذاری بیشتری کند.

جهان نما

افزایش تولید نفت لیبی در بحبوحه بحران بین‌المللی انرژی

منابع لیبیایی از افزایش میزان تولید نفت لیبی به بالاترین سطح از بیش از یک دهه خبر دادند. توقف تولید نفت به شکل متوالی از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ بر اساس برآوردهای شرکت نفت «الواحه» برای لیبی ۱۷۰ میلیارد دلار خسارات داشته است. طبق اعلام این شرکت نفتی، تولید نفت لیبی به ۱.۴۳ میلیون بشکه در روز رسیده که بالاترین میزان در مدت بیش از یک دهه گذشته است. منابع لیبیایی علت آن را ثبات بخش نفت این کشور پس از سالها بی‌ثباتی عنوان کردند. این در حالی است که این کشور عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) قصد دارد تولید نفت خود را به ۲ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۳۰ برساند. بنا بر آمار اوپک، تولید نفت لیبی در ماه فوریه (بهمن) ۱.۲۸ میلیون بشکه در روز بود.

دفتر رسانه‌ای دولت وحدت ملی لیبی علت این افزایش تولید را بهبود فعالیت بخش نفت و ثبات نسبی آن دانست. بر اساس این گزارش، شرکت ملی نفت لیبی در آمد یک میلیارد دلاری حاصل از فروش نفت در ماه فوریه را به خزانه لیبی وارد کرده که این اولین بار در مدت چندین سال گذشته است که بهبود چشمگیر در افزایش درآمدهای نفتی لیبی حاصل شده است. همچنین طبق اعلام دفتر رسانه‌ای دولت وحدت ملی لیبی، اوضاع انرژی در این کشور با وجود فشارهای مربوط به بازارهای جهانی باثبات است. از حیث فنی نیز طبق اعلام مقامات لیبیایی، اقدامات تعمیر و نگهداری میدان نفتی «الشراره» در افزایش میزان تولید موثر بوده است.

دفتر اطلاع رسانی دولت وحدت ملی لیبی اعلام کرد که تداوم این روند افزایشی تولید نفت با عوامل متعددی مرتبط است که در راس آنها پایداری شبکه برق و زیرساخت‌ها قرار دارد و این عوامل تعیین کننده تداوم روند افزایش در آینده است.

لیبی سالهاست که در شرایط بی‌ثباتی سیاسی قرار دارد. این کشور از سال ۲۰۱۱ با اختلافات عمیق حزبی و سیاسی روبه‌رو شده و دو دولت رقیب، یکی در طرابلس در غرب کشور با عنوان دولت وحدت ملی به ریاست «عبدالحمید الدبیبه» و دیگری در بنغازی در شرق کشور وابسته به پارلمان به ریاست «اسامه حماد» مدعی قدرت در مناطقی از کشور هستند. عبدالحمید الدبیبه نخست وزیر دولت وحدت ملی لیبی بهمن ماه گذشته یک قرارداد توسعه نفتی ۲۵ ساله با شرکت فرانسوی «توتال» و شرکت آمریکایی «کونوکو فیلیپس» امضا کرد که شامل سرمایه‌گذاری‌های خارجی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار است.

الدبیبه در شبکه ایکس نوشت توافق‌نامه امضا شده از طریق شرکت نفت «الواحه» با هدف افزایش ظرفیت تولید تا ۸۵۰ هزار بشکه در روز امضا شده است و انتظار می‌رود درآمد خالص آن به بیش از ۳۷۶ میلیارد دلار در مدت ۲۵ سال برسد. یک منبع وابسته به شرکت الواحه گفت، تولید روزانه این شرکت معمولا بین ۳۴۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه در روز در شرایط کاری عادی است.

شرکت نفت الواحه یکی از شرکت‌های وابسته به شرکت ملی نفت لیبی است که پنج میدان بزرگ نفتی و گازی و تعدادی میدان فرعی تولیدی را اداره می‌کند. الدبیبه خاطرنشان کرد که لیبی علاوه بر توافق‌نامه همکاری با وزارت نفت مصر، یادداشت تفاهمی نیز با شرکت شرکت نفت و گاز چندملیتی آمریکایی «شِوْرون» (Chevron) امضا کرده است.

وی گفته بود که این توافق‌نامه‌ها نشان‌دهنده تقویت روابط لیبی با بزرگترین و مهمترین شرکای بین‌المللی آن در بخش انرژی جهانی است. کشور نفت‌خیز لیبی از سال‌ها پیش بین دولت‌های رقیب تقسیم شده است؛ دولتی تحت حمایت سازمان ملل اما ضعیف در طرابلس (شهری که به‌طور عمده تحت کنترل گروه‌های مسلح قرار دارد) در مقابل دولت مستقر در شرق لیبی با پشتیبانی ژنرال حفتر که خود را رهبر نیروهای مسلح عرب لیبی می‌خواند. دولت‌هایی که هر کدام تحت حمایت دولت‌های خارجی بوده و پشتیبانی می‌شوند.

حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ۲ پایگاه حشدالشعبی

سازمان حشدالشعبی عراق بامداد روز گذشته (دوشنبه) اعلام کرد که برخی واحدهای آن در نینوا و طوزخورماتو هدف حمله هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند. حشد شعبی گزارش داد که در حمله هوایی بامداد امروز ۲ پایگاه آن به صورت همزمان هدف قرار گرفتند. به گزارش النخیل به نقل از این سازمان، پایگاه اطلاعات تیپ ۲۵ فرماندهی عملیات نینوا ساعت ۲ و ۳۸ دقیقه بامداد هدف حمله هوایی قرار گرفت سپس پایگاه هنگ چهارم تیپ ۵۲ در استان صلاح‌الدین واقع در فرودگاه الحلیوه در شهر طوزخورماتو ساعت سه بامداد هدف چهار حمله هوایی قرار گرفت.

حشد شعبی اعلام کرد که این حملات هوایی تلفات انسانی نداشته است. به گزارش خبرگزاری «شفق نیوز» عراق، این پنجمین حمله از این نوع در طول ۲۴ ساعت گذشته است. یک منبع به این خبرگزاری گفت: جنگنده‌ها یکی از پایگاه‌های حشد شعبی در شرق صلاح‌الدین را هدف قرار دادند و اکنون نیروهای امنیتی در اطراف این پایگاه یک کمربند امنیتی ایجاد کرده‌اند. این حملات در حالی انجام می‌شود که اسرائیل و ایالات متحده بارها طی روزها و هفته‌های گذشته بارها اعلام کرده بودند که مراکز و پایگاه‌های نظامی بسیج مردمی عراق حمله خواهند کرد.